تأثیر محافظه‌کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی

مهرداد مهرکام[1]
هوشنگ خرم نیا[2]
علی‌اصغر خرم نیا[3]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی– همبستگی و از نظر نوع داده‌ها، کمّی می‌باشد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و برای تعیین نمونه پژوهش از روش غربالگری (۳۸۸ شرکت) طی بازه زمانی سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها از ضرایب همبستگی، آماره t و مدل رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و محافظه‌کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری، جریان وجه نقد عملیاتی، درآمد مشمول مالیات قطعی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت تولید و عملیات دانشگاه علامه طباطبائی، مدیرکل مالیات‌های جنوب تهران mehrkam88@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، کارشناس ارشد مالیاتی، اداره کل امور مالیاتی شهر تهران (نویسنده مسئول) khoramniah@gmail.com
۳. کارشناس ارشد حسابداری ali.khoramnia@yahoo.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۱- مقدمه

هدف از گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیف گسترده‌ای از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و برای اتخاذ تصمیمات، مفید واقع می‌شود (منصوری، ۱۳۹۰). این هدف زمانی قابل دستیابی است که استانداردهای بین‌المللی حسابداری در شرایط موجود به‌کار گرفته شود. در حالی که در گزارشگری مالی ایران، عدم به‌کارگیری برخی استانداردهای بین‌المللی حسابداری سبب شده است صورت‌های مالی نتوانند به هدف خود که ارائه اطلاعات مفید برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی است نائل شوند.

یکی از استانداردهای بین‌المللی حسابداری که تأثیر به‌سزایی در کیفیت گزارشگری مالی دارد، استاندارد حسابداری مالیات بر درآمد (استاندارد شماره ۱۱) است. نبود این استاندارد موجب انحراف صورت‌های مالی می‌شود، چرا که این استاندارد ابزاری برای تفکیک اندازه‌های حسابداری مالی از اندازه‌های قوانین مالیاتی است.

عدم به‌کارگیری استاندارد بین‌المللی حسابداری مالیات بر درآمد، صورت‌های مالی شامل صورت سود و زیان، ترازنامه و بالطبع شاخص‌ها و نسبت‌های مالی مهم در بورس را دچار تحریف می‌نماید. در حالی که در گزارشگری بین‌المللی، وجود گزارش‌های مالیاتی موجبات بهبود گزارش‌های مالی را فراهم خواهد آورد (موسی زاده، ۱۳۸۵). در حال حاضر در ایران گزارش‌های مالیاتی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی حسابداری وجود ندارد و تمامی اقدامات فعلی در حدّ اجرای ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم و به‌طور مستقل ارائه می‌شود. کشف تقلبات، پنهان کاری‌ها و دستکاری‌ها در شرکت‌های بزرگ از قبیل ورلدکام، انرون و زیراکس که فرار مالیاتی از مقاصد سوء آنها بود، سبب شد تا در مورد نحوه گزارشگری مالی چاره اندیشی شود. عدم هماهنگی بین حسابداری و قوانین مالیاتی نیز فرصتی برای مدیران فراهم آورد تا بتوانند درآمد دفتری و یا سود مشمول مالیات را دستکاری کنند .

فرآیند رسیدگی و تشخیص مالیات یکی از بخش‌های مهم نظام مالیاتی است و تنها با کارکرد درست این بخش است که هدف‌های نظام مالیاتی تحقق پیدا می‌کند. حسابداران در این بخش از نظام مالیاتی نقشی مهم و تعیین‌کننده دارند، چرا که اظهار درآمد و مالیات و سپس رسیدگی به آن وابسته به خدمات حرفه حسابداری است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که حسابداری مالیات بر درآمد از دو جنبه اهمیت بیشتری دارد: محاسبه دقیق سود واقعی قابل تقسیم بین سهامداران و محاسبه مالیات بر درآمد، که به‌عنوان یک بدهی بوده و باید به دولت پرداخت شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

خلاء بین مالیات واقعی و مالیات پرداخت شده در کاهش شفافیت اطلاعات مالی بی‌تأثیر نبوده است، چراکه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان که تأمین‌کنندگان اصلی سرمایه شرکت هستند در تصمیم‌گیری‌های خود بیشتر از اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی عملیاتی استفاده می‌کنند (یحیایی و همکاران، ۲۰۱۰).

جریان وجوه نقد عملیاتی، مبین کیفیت سود است، زیرا به‌طور عمده تحت تأثیر سود (زیان) شرکت‌ها می‌باشد (دستگیر و خدابنده، ۱۳۸۱). غلوّ کردن و متهورانه بودن در گزارش‌های مالی باعث اختلال در فرآیند تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری سایر استفاده‌کنندگان می‌شود. از طرف دیگر اختلاف بین گزارش‌های مالی متهورانه و گزارش‌های مالیاتی، رابطه‌ای خواهد بود که از هر دو طرف، مردم را متضرر خواهد کرد. چرا که سرمایه‌گذارانی که تحت تأثیر اطلاعات متهورانه و متورم، تصمیم‌گیری می‌کنند مردم هستند و درآمدهای مالیاتی نیز منابعی هستند که باید در راستای رفاه مردم و امور زیربنایی کشور سرمایه‌گذاری شود.

بنابراین ضروری است که ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی به‌عنوان متغیری که کمتر مورد دستکاری و تحریف قرار می‌گیرد و درآمد مشمول مالیات قطعی و همچنین اثرات محافظه‌کاری بر ارتباط بین این دو متغیر بررسی شود، زیرا تحلیل دقیق ارتباط بین این متغیرها می‌تواند به ممیزین مالیاتی در درک وضعیت واقعی مؤدیان مالیاتی در فرایند تشخیص مالیات کمک کند.

این پژوهش، مالیات را به‌عنوان یکی از عناصر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی مورد بررسی و آزمون قرار می‌دهد و علت استفاده از خالص جریان نقدی عملیاتی در این پژوهش آن است که متغیری است که نشان‌دهنده سود قبل از تأثیر دو عامل مالیات و محافظه‌کاری می‌باشد و می‌تواند به درک واقعی ممیزین مالیاتی از وضعیت مؤدیان مالیاتی کمک کند. باتوجه به مطالب ذکر شده، در این پژوهش برآنیم که به پرسش‌های اصلی پژوهش یعنی ارتباط بین محافظه‌کاری و جریان وجه نقد عملیاتی و همچنین تأثیر محافظه‌کاری بر رابطهٔ بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده پاسخ دهیم. برای این منظور ابتدا مفهوم محافظه‌کاری، جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات و دلایل توجیهی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش بعدی فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌گردد. در ادامه یافته‌های پژوهش ارائه و تفسیر خواهند شد و سرانجام بخش پایانی پژوهش حاضر نیز به نتیجه‌گیری و پیشنهادات اختصاص می‌یابد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

محافظه‌کاری یعنی این‌که حسابدار از بین ارزش‌های ممکن برای دارایی‌ها، کمترین ارزش و برای بدهی‌ها، بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر، و هزینه‌ها باید زودتر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

شناسایی شوند نه دیرتر. «کمیته فنی سازمان حسابرسی ایران»، محافظه‌کاری را با لفظی دیگر یعنی احتیاط به رسمیت می‌شناسد و آن را به‌عنوان یکی از اجزای خصوصیات کیفی قابل اتکاء بودن معرفی می‌نماید. ما به‌وسیله محافظه‌کاری حد وسطی از تکنیک‌های حسابداری را به دست می‌آوریم که ارزش دفتری دارایی‌های خالص را نسبتاً پایین نگه می‌دارد و بدون تناقض به کار برده می‌شود. برای مثال در شرایط تورمی حسابداری لایفو برای موجودی‌های کالا نسبت به فایفو محافظه‌کارانه است. محافظه‌کاری حسابداری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. محافظه‌کاری در حسابداری مفهومی است که از سابقه تاریخی برخوردار است به‌طوری که بلیس (۱۹۲۴) معتقد است که از گذشته‌های بسیار دور این مفهوم در قالب این عبارت بیان می‌شده است: زیان‌ها را پیش‌بینی کنید ولی سودها را نه. این عبارت به این معنی است که درآمدهایی که منشاء اصلی سودها می‌باشند تا زمانی که ادعای قابل اثباتی نسبت به وصول آن ایجاد نشده باشد، نباید به‌عنوان درآمد شناسایی و در دفاتر ثبت شوند.

باسو (۱۹۹۷) باتوجه به ادبیات تجربی نشان داد که حسابداری، در شناسایی سود و زیان تمایل دارد که درجه تأیید اخبار خوب (سود) نسبت به درجه تأیید اخبار بد (زیان) بالاتر باشد .براین اساس می‌توان محافظه‌کاری را مخلوق عدم تقارن در تأیید شرایط سود و زیان دانست. واتز (۲۰۰۳) محافظه‌کاری را به عنوان میزان تفاوت تأیید پذیری شرایط شناسایی سود در مقابل زیان بیان کردند. با وجود انتقاد از محافظه‌کاری، نفوذ محافظه‌کاری در حسابداری از نظر طول زمان و ارزشگذاری با اهمیت می‌باشد. در این راستا باسو (۱۹۹۷) عقیده دارد، نفوذ محافظه‌کاری در حسابداری حداقل به پانصد سال می‌رسد. چت فیلد معتقد است که پیشینه تاریخی محافظه‌کاری ریشه در قرون وسطی دارد؛ زمانی که مباشرین دریافتند که به‌کارگیری محافظه کاری تمهیدی برای خودحفاظتی می‌باشد.

بگنولی و واتز (۱۹۷۰) محافظه‌کاری را به‌عنوان بانفوذترین اصل در ارزشگذاری معرفی می‌کند. پس می‌توان اذعان کرد که نفوذ محافظه‌کاری از نظر پیشینه تاریخی و از نظر ارزشگذاری در حسابداری با اهمیت است. از طرفی هم اندازه‌گیری مالیات و ارتباط آن با گزارش‌های مالی زمینه به‌کارگیری محافظه‌کاری در حسابداری را فراهم کرده است. احتمالاً عدم تقارن در شناسایی سود در مقابل زیان موجب می‌شود، در واحد اقتصادی سودآور مدیران ارزش فعلی مالیات را کاهش دهند. پس با تأخیر در شناسایی درآمدها و شناسایی زودتر هزینه‌ها مقصود خود را عملی می‌کنند. در ادبیات حسابداری مالی ادعا می‌شود اختلاف دفتری مالیات می‌تواند اطلاعاتی را درباره سود جاری ارائه دهد. به عنوان نمونه سود قبل از مالیات

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

به سود مشمول مالیات می‌تواند معیاری از محافظه‌کاری یا حسابداری متهورانه باشد یا اینکه نشانه‌ای از امکان تقلب (پالپو وبمارد، ۲۰۰۰) یا معیاری جهت تشخیص دستکاری هزینه‌ها (پنمان، ۲۰۰۱) باشد.

گنتر و همکاران (۱۹۷۷) عنوان کردند که درآمد مشمول مالیات هنوز هم تحت تأثیر روش‌های حسابداری است. به سبب اختلاف بین قوانین و مقررات مالیاتی و اصول و موازین پذیرفته شده حسابداری ممکن است آنچه برای مقاصد حسابداری درآمد و هزینه محسوب می‌شود، الزاماً از دیدگاه قوانین مالیاتی درآمد و هزینه محسوب نگردد. به عبارت دیگر، باید اشاره نمود که هدف از تعیین سود در تهیه صورت‌های مالی، با هدف از تعیین درآمد مشمول مالیات در قوانین مالیاتی متفاوت است. علاوه بر این، برخی از اقلام درآمد و هزینه که از دیدگاه مقاصد حسابداری در یک دوره مالی شناسایی می‌گردند، ممکن است از لحاظ مقاصد قوانین و مقررات مالیاتی، در دوره‌های مالی دیگر شناسایی شوند و یا اینکه اساساً مبانی ارزشیابی برخی از اقلام بر طبق قوانین و مقررات مالیاتی متفاوت از مبانی تشخیص مطابق اصول و موازین پذیرفته شده حسابداری باشد. هرکدام از موارد فوق به بروز اختلاف بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات و در پی آن اختلاف بین مالیات بر درآمد برآوردی مسئولان مالیاتی و بدهی مالیاتی مورد نظر شرکت منجر می‌گردد.

به‌طورکلی می‌توان محافظه‌کاری حسابداری را در سه مقوله به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

الف- مقوله رفتاری: بدبینی از خوش‌بینی بهتر است. به‌عنوان نمونه بر اساس رهنمودهای حسابدار بدهی‌های احتمالی (زیان‌های احتمالی) تحت شرایط خاص شناسایی می‌شوند در صورتی که این رهنمودها در خصوص دارایی‌های احتمالی (سودهای احتمالی) کاربرد ندارد.

ب- مقوله زمان: زودتر نشان دادن زیان‌ها و هزینه‌ها از دیرتر نشان دادن آنها بهتر است و دیرتر نشان دادن سودها و درآمدها از زودتر نشان دادن آنها بهتر است.

ج- مقوله ارزش: کمتر نشان دادن سودها و درآمدها از بیشتر نشان دادن آنها بهتر است و بیشتر نشان دادن زیانها و هزینه‌ها از کمتر نشان دادن آنها بهتر است.

۲-۱- تفاسیر محافظه‌کاری

واتز (۲۰۰۳) ریشه محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را دلایل اقتصادی می‌داند و چهار عامل ذیل را در شکل‌گیری آن ذکر می‌کند:

۱- تفسیر قراردادی محافظه‌کاری: قرارداد بین شرکت و اشخاصی که در استخدام آن هستند (مانند مدیران) و همچنین قراردادهایی که بین شرکت و طرف‌های خارج از شرکت وجود دارد (بدهی به سهامداران و سایر اعتباردهندگان).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۲- تفسیر دعاوی قضایی محافظه‌کاری: افزایش در هزینه‌های دعاوی قضایی

۳- تفسیر قانون‌گذاری محافظه‌کاری: دیدگاه قانون‌گذاران و تعدیل‌کنندگان حسابداری مانند: SEC و FASB

۴- تفسیر مالیاتی محافظه‌کاری: ارتباط بین سود گزارش شده و مالیات.

تفسیر قراردادی

تفسیر قراردادی اشاره به تضاد منافع بین طرف‌های قرارداد با واحد انتفاعی دارد. این قراردادها شامل قرارداد مدیران و قرارداد بدهی به سهامداران و سایر اعتباردهندگان می‌باشد. هرکدام از این طرف‌ها به دنبال منافع خود می باشند. محافظه‌کاری ناشی از به‌کارگیری تکنولوژی کارآمد در شرکت و قراردادهای شرکت با اشخاص و گروه‌های مختلف می‌باشد. بر اساس این تفسیر، حسابداری محافظه‌کارانه برای نشان دادن کژ منشی بوجود آمده بوسیله گروه‌های مختلفی است که اطلاعات نابرابر و نامتقارن، حقوق و مزایای نابرابر، افق‌های فکری محدود و مسؤلیت محدود دارند.

مدیران برای افزایش منافع شخصی خود، در استفاده از معیارهای حسابداری، که مبنای اطلاع‌رسانی برای سرمایه‌گذاران است، جانبدارانه عمل می‌کنند و در ارسال اطلاعات اختلال ایجاد می‌نمایند. اگر محدودیت‌هایی که این رفتار فرصت‌طلبانه مدیر را محدود نماید، وجود نداشته باشد، در آن صورت ارقام حسابداری موجود در گزارش‌های مالی، جانبدارانه تهیه و ارائه خواهد شد. اما محافظه‌کاری به‌واسطه الزام قابلیت اثبات و تأیید خود، رفتار فرصت‌طلبانه و جانبدارانه مدیران را محدود می‌نماید. در عمل، محافظه کاری، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی و شناسایی سود را به تأخیر می‌اندازد، در نتیجه خالص دارایی‌ها و سود، کمتر نشان داده می‌شوند. در قراردادها، اثرات مزبور، ارزش شرکت را افزایش می‌دهد. زیرا محافظه‌کاری پرداخت‌های فرصت‌طلبانه مدیر به خود و سایر گروه‌ها نظیر سهامداران را محدود می‌نماید. ارزش افزایش یافته شرکت میان همه گروه‌های طرف قرارداد شرکت، تقسیم و رفاه هر گروه افزایش می‌یابد. در این مفهوم، محافظه‌کاری یک مکانیزم قراردادی کارآمد محسوب می‌شود.

به نظر واتز تفسیر قراردادی، با اهمیت‌ترین تفسیر محافظه‌کاری است، زیرا اصلی‌ترین منبع محافظه‌کاری به‌شمار می‌رود. اگرچه تفسیر قراردادی از نظر ادبیات، تأکید بر قراردادی دارد که بین طرف‌های قرارداد (مانند قرارداد بدهی و قرارداد پاداش مدیریت) است، اما گسترهٔ این تفاسیر به داخل سازمان (مانند حسابداری مدیریت و سیستم کنترلی) نیز مربوط می‌شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

تفسیر دعاوی قضایی

بیور (۱۹۹۳) و واتز (۱۹۹۳) به‌کارگیری محافظه‌کاری در فعالیت‌های مربوط به اوراق بهادار را مناسب می‌دانند. دلیل این امر، به این خاطر است که دعاوی حقوقی بیشتر به دلیل بیشتر از واقع نشان دادن عایدات و دارایی‌ها ایجاد می‌شود، تا کمتر از واقع نشان دادن آنها. کلاگ (۱۹۸۴) دریافت که دعاوی حقوقی خریداران اوراق بهادار علیه حسابرسان و واحدهای اقتصادی بیشتر از دعاوی حقوقی مربوط به فروشندگان اوراق بهادار می‌باشد، که نسبت آن سیزده به یک است. از زمانی که حسابرسان و مدیران دریافتند که هزینه‌های دعاوی قضایی مربوط به بیشتر شناسایی کردن عایدات و دارایی‌ها بیشتر از هزینه‌های مربوط به کمتر شناسایی کردن آنها می‌باشد، اشتیاق بیشتری برای کمتر شناسایی کردن آنها یافتند.

تفسیر مالیاتی

از آنجا که درآمد مشمول مالیات و روش‌های محاسبه درآمد مشمول مالیات، به سود گزارش شده وابسته است، در نتیجه، محاسبه سود نیز تحت نفوذ و دستکاری بوده است. به گفته واتز و زیمرمن (۱۹۷۹)، قبول استهلاک به‌عنوان یک هزینه در آمریکا به دلیل الزام قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مصوب خزانه‌داری آمریکا بوده است که بر اساس آن استهلاک باید به‌عنوان یک هزینه، در صورت‌های مالی ثبت و گزارش شود.

گنتر و همکاران (۱۹۷۷) عنوان می‌کنند که درآمد مشمول مالیات هنوز هم تحت تأثیر روش‌های حسابداری است، البته به‌غیر از روش‌های استهلاک. فورد و همکاران (۲۰۰۱) نیز در تحقیق خود عنوان کردند که مالیات‌ها، انگیزه‌هایی را برای شرکت‌ها فراهم می‌آورند که به‌موجب آن، شرکت‌ها سود حسابداری را به‌گونه‌ای گزارش می‌کنند تا تشویق مالیاتی دریافت نمایند. تا زمانی‌که شرکت سودآور است، درآمد مشمول مالیات دارد. ارتباط و وابستگی بین درآمد مشمول مالیات و سود گزارش شده، انگیزه انتقال سود به دوره‌های آتی را فراهم می‌آورد. با انتقال سود به دوره‌های آتی، ارزش مالیات‌ها کاهش می‌یابد. همانند تفسیر قراردادی، به‌طور متوسط این انگیزه منجر به کمتر از واقع نشان دادن خالص دارایی‌ها می‌شود.

تفسیر قانونگذاری

قوانین نیز انگیزه‌هایی را برای ارائه صورت‌های مالی محافظه‌کارانه برای شرکت‌ها بوجود می‌آورد. واتز (۱۹۷۷) معتقد بود که ضرر ناشی از ارزیابی بیش از واقع دارایی‌ها و سود، در مقایسه با منافع حاصل از ارزیابی کمتر از واقع دارایی‌ها و سود، در فرآیند سیاسی بیشتر مشاهده می‌شود. این پدیده انگیزه‌هایی را برای قانون‌گذران و استاندارد گذاران فراهم می‌آورد تا آنان همچنان محافظه‌کار باقی بمانند. ظاهراً این

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

موضوع باعث شده است که کمیسیون بورس اوراق بهادار، تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها، در سه سال اول فعالیت‌شان را ممنوع کند. بر اساس قوانین بورس اوراق بهادار، حسابداری باید محافظه کارانه باشد و از اینکه حسابداری در سال ۱۹۲۹ ارزیابی بیش از واقع سهام بورس اوراق بهادار نیویورک را داشته است، آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

۲-۲- انواع مدیریت سود

تحقیقات گسترده‌ای در زمینه مدیریت سود انجام شده است، اما ادبیات مربوط به نوع خاصی از مدیریت سود کمیاب است. مدیریت سود را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: مدیریت واقعی سود و مدیریت حسابداری سود. مدیریت واقعی سود، تلاش مدیریت برای دستکاری سود گزارش شده با استفاده از تغییر زمان‌بندی و معیار اندازه‌گیری فعالیت های تجاری می‌باشد. انگیزه مدیران برای دستکاری فعالیت‌های واقعی، گمراه کردن برخی افراد ذینفع است که باور کنند اهداف گزارشگری مالی از طریق فعالیت‌های عادی محقق شده است. مدیریت واقعی سود از طریق تغییر آرایش حساب‌ها انجام نمی‌شود، بلکه مدیران در این روش، زمان انجام عملیات، نحوه تخصیص منابع و یا زمان اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تغییر می‌دهند. جریان نقد فعالیت‌های عملیاتی، به‌عنوان نماینده مدیریت واقعی سود محسوب می‌شود. مدیریت اقلام تعهدی یا مدیریت حسابداری سود، زمانی رخ می‌دهد که مدیر با استفاده از اختیارات حسابداری خود، سود گزارش شده را بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری، دستکاری کند. در این نوع مدیریت سود، اقلام تعهدی اختیاری به عنوان نماینده در نظر گرفته می‌شود. به بیان دیگر مدیریت سودهای تعهدی، فاقد پیامدهای جریان نقد مستقیم هستند.

در یک طبقه‌بندی دیگر، بر اساس تعریف‌های ارائه شده، مدیریت سود را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: مدیریت سفید سود، مدیریت سیاه سود و مدیریت بی‌رنگ سود. مدیریت سفید سود، استفاده از انعطاف‌پذیری در انتخاب روش‌های حسابداری برای انتقال اطلاعات محرمانه درباره جریان‌های نقد آتی است که باعث بهبود شفافیت گزارش‌ها می‌شود. مدیریت سیاه سود شامل تقلب، فریبکاری، ارائه نادرست و آشکار گزارش‌های مالی است که باعث کاهش شفافیت گزارش‌ها می‌شود. مدیریت بی‌رنگ سود، یعنی دستکاری گزارش‌های مالی، اما در محدوده رعایت استانداردهای روشن و مشخص، که شامل مدیریت سود فرصت‌طلبانه و کارا است.

محققین سه نوع معیار برای اندازه‌گیری محافظه کاری مطرح نموده‌اند: ۱) اندازه‌گیری مرتبط با نرخ بازده سهام و سود ۲) اندازه‌گیری خالص دارایی ۳) اندازه‌گیری مرتبط با سود و تعهدات. تمامی این معیارها بر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان‌های حسابداری گزارش شده به‌ویژه خالص دارایی‌ها، سود و اقلام تعهدی استوار اند (واتز،۲۰۰۳). دسته اول بیانگر معیار عدم تقارن زمانی سود است که شکل اولیه آن توسط باسو در سال ۱۹۹۷ در قالب واکنش نسبت به اخبار خوب و بد واصله در طول یک دوره مالی معرفی شد و در سال ۲۰۰۶ توسط رویچود هاری و واتز به صورت واکنش سود نسبت به اخبار خوب و بد واصله در طول چند دوره تعدیل شد. دسته دوم بیانگر معیار ارزش بازار به ارزش دفتری سهام است و اولین بار توسط استوبر در سال ۱۹۶۶ میلادی به منظور سنجش محافظه‌کاری مورد استفاده قرار گرفت. دسته سوم بیانگر معیار اقلام تعهدی انباشته شده است که توسط گیولی و هاین در سال ۲۰۰۳ میلادی معرفی شد. بر اساس این معیار نرخ انباشتگی اقلام تعهدی منفی در طول زمان شاخصی از تغییر در میزان محافظه‌کاری می باشد.

۲-۳- صورت جریان وجوه نقد

بسیاری از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به‌ویژه مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان علاوه بر دسترسی به اطلاعاتی نظیر وضعیت مالی (ترازنامه) و عملکرد مالی (صورت سود وزیان)، نیازمند کسب اطلاعاتی در خصوص چگونگی ایجاد و مصرف وجوه نقد توسط واحد تجاری می‌باشند. اطلاعات تاریخی مرتبط با جریان وجوه نقد می‌تواند در پیش‌بینی و نسبت به مبلغ، زمان و میزان اطمینان از تحقق از جریان وجه نقد آتی به استفاده‌کنندگان صورت های مالی کمک کند (یکی از اهداف گزارشگری مالی). اطلاعات مزبور بیانگر چگونگی ارتباط بین سودآوری واحد تجاری و توان آن جهت ایجاد وجه نقد و در نتیجه مشخص کننده کیفیت سود تحصیل شده توسط واحد تجاری است.

ترازنامه یک شرکت در یک مقطع زمانی مشخص منابع یک سازمان و چگونگی تأمین این تعهدات را نشان می‌دهد و تا حدودی مبین قدرت مالی و نقدینگی سازمان است، اما در قالب یک صورت مالی ایستا فقط تصویری از یک لحظه شرکت ارائه می‌کند. صورت سود و زیان نیز فقط به ارائه منابع تحصیل شده و مصرف شده در چرخه عملیات برای یک دوره مالی مشخص در قالب‌های درآمد و هزینه می‌پردازد و نمایانگر قابلیت انعطاف‌پذیری و سودآوری مؤسسه است. این صورت‌های مالی مهم و مفید هستند، اما سؤالات اساسی نیز وجود دارد که این صورت‌ها قابلیت پاسخگویی کامل به آنها را ندارند. سؤالاتی نظیر اگر بدهی‌های این شرکت افزایش یافته به چه نحوی مصرف (سرمایه‌گذاری) شده است؟ در صورتی که بدهی‌ها کاهش یافته باشد به چه نحوی این کاهش صورت گرفته است؟ و سیاست‌های دریافت مبلغ فروش کالا و پرداخت وجه به فروشندگان بابت خرید چگونه است؟ کوشش در جهت پاسخگویی

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

به سؤالاتی از این قبیل باعث شده که مجامع حرفه‌ایِ حسابداری، خود را ملزم به تهیه و ارئه گزارش مالی جدیدی نمایند که بتواند خلأ اطلاعاتی موجود را پرکند. بنابراین صورت جریان نقدی تهیه می‌شود تا جوابگوی این سؤالات باشد. زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام یک شرکت افزایش یابد، ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه گذاران در بازار سرمایه برای سهام مورد نظر قائل می‌شوند متفاوت خواهد بود. در نتیجه، ارزش واقعی سهام شرکت‌ها با ارزش مورد انتظار سهامداران تفاوت خواهد داشت (دیاموند و ورچیا، ۱۹۹۱). پیش‌بینی جریان‌های نقدی برای استفاده‌کنندگان درون و برون سازمانی دارای اهمیت ویژه‌ای است. مهمترین هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی بیان شده است. برخی از صاحب نظران و مراجع تدوین کننده مبانی نظری و هدف‌های گزارشگری مالی بر این باورند که با استفاده از سود حسابداری و اجزای آن می‌توان جریان‌های نقدی را پیش‌بینی نمود (ثقفی و هاشمی،۱۳۸۳). اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی، می‌تواند در ارزیابی کیفیت سودآوری واحد انتفاعی سودمند واقع شود و کیفیت سودآوری به نزدیکی سود به جریان وجوه نقد و همبستگی با آن اشاره دارد. هرقدر همبستگی بین سود و جریان‌های وجوه نقد مرتبط با آن بیشتر باشد، کیفیت سودآوری بالاتر خواهد بود. جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی توان واحد تجاری جهت بازپرداخت وام‌ها و حفظ توان عملیاتی واحد تجاری و پرداخت سود سهام بدون استفاده از منابع برون سازمانی می‌باشد. در صورتی‌که بعضی از جریان‌های نقدی را نتوان به یک سرفصل خاص محدود کرد، چنین اقلامی به‌عنوان جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی طبقه‌بندی می‌شوند (تاری وردی، ۱۳۸۹).

۲-۴- گزارشگری مالیاتی، گزارشگری مالی و شفافیت

هدف این بخش، بررسی رابطه بین گزارشگری مالیاتی و گزارشگری مالی و تأثیر آن بر شفافیت است. این بخش یک رویکرد مفهومی از تحریک کننده‌های اقتصادی، فاکتورها و مکانیزم‌هایی است که رابطه بین حسابداری مالیاتی و مالی و تأثیرات آنها بر شفافیت اطلاعات گزارشگری مالی را احاطه کرده است.

مکانیزم‌های حمایت از مقامات مالیاتی

مالیات بر درآمد به دلایل مختلف دارای اهمیت زیادی برای مدیران و سهامدران می‌باشد. اول از همه، مالیات بر درآمد نماینده بخش معناداری از درآمد است. علاوه بر این درآمد مشمول مالیات ممکن است به روش‌های مختلفی محاسبه شود و این ممکن است اثرات مهمی بر شفافیت داشته باشد. مدیران باید اطلاعات حسابداری را (اغلب با مقررات مختلف) به حسابرسان مالیاتی و همین‌طور سرمایه‌گذاران و

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

اعتباردهندگان گزارش کنند، هرچند بین حسابداری برای مقاصد مالیاتی و مقاصد گزارشگری ممکن است ارتباط و همسویی وجود داشته باشد. از آنجایی که مقررات مختلف هستند و مخارج مالیاتی کاهش دهنده درآمد خالص برای مقاصد گزارشگری مالی است، تحریک‌کننده‌های اقتصادی مختلفی مرتبط با هردو بخش وجود دارد. مدیران ممکن است برای گزارش درآمد بیشتر برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، تلاش کنند از طریق استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی یا حتی مدیریت سود، درآمد مشمول مالیات را کاهش دهند. نیاز فزاینده به مطابقت گزارشگری مالی و مالیاتی ممکن است رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود و شفافیت اطلاعات گزارش های مالی را توسعه دهد. حسابداری مالیاتی مستلزم محرک‌های اقتصادی و مکانیزم‌هایی برای حمایت در مقابل رفتار فرصت طلبانه است که ممکن است شفافیت گزارش‌های مالی را افزایش یا کاهش دهد.

علی‌رغم عدم تقارن اطلاعاتی بین دولت و شرکت‌ها، مقامات مالیاتی تلاش می‌کنند با تنظیم قوانینی، شفافیت اطلاعاتی مؤدیان مالیاتی را بدست آورند. اطلاعات برای مقامات مالیاتی زمانی می‌تواند شفاف باشد که حاوی معیارهای قابل اعتماد از توانایی شرکت‌ها برای پرداخت مالیات باشد. مقامات مالیاتی باید علاقه‌مند به معیارهای درآمد مشمول مالیات به جای معیارهای دارایی و بدهی باشند. درآمد مشمول مالیات مقدار درآمدی است که نشان‌دهنده توانایی شرکت برای پرداخت مالیات بر درآمد در طول دوره است. به‌طور واقعی توانایی پرداخت مالیات با معیارهای درآمد که به وسیله تنظیم‌کنندگان قوانین حسابداری مالیاتی تعریف می‌شود، بیان می‌گردد. تنظیم‌کنندگان قانون مالیاتی باید مراقب باشند که از اطلاعات منحرف کننده در مورد توانایی شرکت‌ها برای پرداخت مالیات اجتناب کنند. آنها باید قوانینی برای حمایت از حقوق دولت تنظیم کنند، چون عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند ابزاری برای منافع شخصی مدیران باشد. بنابراین برای حمایت از حقوق دولت تلاش می‌شود قوانینی برای جلوگیری از به تعویق انداختن درآمد توسط مدیران تنظیم شود.

مکانیزم‌های حمایت از سرمایه‌گذاری و اعتباردهندگان

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به گزارش‌های مالی برای تصمیم‌گیری اقتصادی نیاز دارند. سرمایه‌گذاران برای ارزشیابی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری به اطلاعات نیاز دارند. اعتباردهندگان در مورد اینکه آیا سرمایه برای شرکت‌ها فراهم کنند یا خیر، به اطلاعاتی نیاز دارند که شامل ارزیابی ریسک ورشکستگی و اعتباری است. همه اینها مرتبط با آینده است، زیرا سرمایه‌گذاران، بازدهی سرمایه‌گذاری را برای آینده می‌خواهند و اعتباردهندگان خواهان برگشت وام‌ها و بهره هستند و ارزشیابی شرکت نیازمند

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

ترسیم جریان‌های نقدی آتی است. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از گزارش‌های مالی برای حداقل کردن ریسک‌های اطلاعاتشان در مورد شرایط اقتصادی شرکت استفاده می‌کنند، زیرا گزارش‌های مالی، با جریان‌های نقدی آینده مرتبط هستند و سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در مورد درآمد در آینده به اطلاعات نیاز دارند. سهم درآمدها از این پیش‌بینی‌ها دلیلی است بر اینکه درآمدها پیش‌بینی بهتری از (و بنابراین یک تقریب بهتر برای) جریان‌های نقدی آتی هستند تا جریان‌های نقدی جاری. این می‌تواند به توضیح اینکه چرا درآمدها اغلب به جای جریان وجه نقد عملیاتی در مدل‌های ارزیابی و معیارهای عملکرد استفاده می‌شود، کمک کند. واتز و لافوند (۲۰۰۸) بحث کردند که گزارشگری مالی محافظه کارانه یک مکانیزم نظارتی است که توانایی مدیران برای دستکاری و غلوکردن در عملکرد مالی، افزایش جریان نقدی و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

۲-۵- مطالعات داخلی و خارجی

مهرانی و سیدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با موضوع بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دریافتند که بین مالیات ابرازی محافظه‌کاری با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این مطلب مبین آن است که اجتناب مالیاتی و محافظه‌کاری ابزارهایی جایگزین برای کاهش مالیات می‌باشند، به‌طوری‌که با افزایش اجتناب مالیاتی انگیزه محافظه‌کاری کاهش می‌یابد؛ و بالعکس. علاوه بر این رابطه منفی بین متوسط مالیات ابرازی سه ساله شرکت و اجتناب مالیاتی مبین آن است که شرکت‌ها بیشتر تمایل دارند محافظه‌کاری نمایند و ضمن کاهش سود، صرفه‌جویی مالیاتی نمایند، تا این‌که بوسیله اجتناب مالیاتی مالیات بر درآمد خود را کاهش دهند.

صفار یزدی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی تحلیلی ارتباط میان تغییرات اقلام صورت‌های مالی و تغییرات مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دریافت که از میان اقلام صورت‌های مالی، هیچ یک توانایی پیش‌بینی مالیات را ندارند. اگرچه اقلام صورت‌های مالی با توجه به تفاوت‌های زیاد استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی، توانایی پیش‌بینی مالیات را ندارند و فرضیه‌های اصلی پژوهش تأیید نشدند، اما با توجه به وجود اختلاف‌های دائمی (ناشی از معافیت‌های قانونی، مالیات‌های مقطوع و محدودیت‌های مجاز) میان سود حسابداری و سود مالیاتی، در صورت حذف اثر آنها در مرحلهٔ اول و نیز تطابق قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری در راستای کاهش اختلاف‌های موقت (ناشی از مبانی مختلف اندازه‌گیری و زمان‌بندی شناسایی درآمدها و هزینه‌ها) در مرحلهٔ دوم، در هریک از این دو مرحله می‌توان انتظار وجود رابطهٔ معنی‌داری میان تغییرات اقلام صورت‌های مالی و تغییرات مالیات را داشت.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

سدیدی (۱۳۸۷) در پژوهشی با موضوع اثر محافظه‌کاری بر گزارشگری مالی دریافت که بین ذخیره مالیات و محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ای معنادار و معکوس برقرار است که بسیار ناچیز است.

بیک‌پور (۱۳۸۵) در مقاله‌ای مشکلات موجود در اجرای موفق ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم را مورد بررسی قرار داد و علل اختلاف موجود را ناشی از اختلافات بین استانداردهای حسابداری و قانون مالیات‌های مستقیم، سود حسابداری و سود مالیاتی دانست.

بنی‌مهد (۱۳۸۵) الگویی برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارائه داد و به این نتیجه رسید که محافظه‌کاری به علت کاهش بازده دارایی‌ها و بازده نقدی دارایی‌ها (نسبت جریان نقدی عملیاتی به جمع دارایی‌ها (و همچنین با افزایش‌های بلند مدت، کاهش می‌یابد و با افزایش بدهی رشد عملیات شرکت‌ها، زیاد می‌شود.

در تحقیقی که توسط سعید جمشیدی فرد (۱۳۸۱) با عنوان مالیات و حسابداری – تعارض صورت گرفت، ضمن اشاره به برخی تعارضات موجود بین این دو، با تکیه بر برخی مواد قانونی و اصلاحیه‌ها به بیان گوشه‌هایی از نشانه‌های تعامل و نزدیکی قانون مالیات‌ها و اصول حسابداری پرداخته است.

شهنوازی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی ضرورت افشای وجوه افتراق بین اطلاعات مالی تهیه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری و اطلاعات مالی تهیه شده بر مبنای قانون مالیات‌های مستقیم ایران، اطلاعات تهیه شده بر مبنای قوانین مالیاتی را هدف قرار داده و به این نتیجه رسید که گزارشگری مربوط به افشای وجه افتراق بین اطلاعات مالی بر مبنای استاندارهای حسابداری و بر مبنای قوانین مالیاتی با تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مرتبط است.

دارابی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین جریان نقدی عملیاتی و سود عملیاتی با بازده سهام شرکت‌ها و تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر این روابط دریافتند که سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی دارای محتوای اطلاعاتی جهت پیش‌بینی بازده سهام هستند و در این مورد محتوای اطلاعاتی سود عملیاتی بیشتر از جریان نقد عملیاتی می‌باشد اما در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی، هرچه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر شود، محتوای اطلاعاتی سود عملیاتی کمتر و جریان نقد عملیاتی بیشتر می‌شود.

محسنی ملکی و عسگری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر محافظه‌کاری مشروط و نامشروط حسابداری بر جریان وجه نقد عملیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» دریافتند که بین محافظه‌کاری مشروط حسابداری و جریان وجه نقد عملیاتی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، اما بین محافظه‌کاری نامشروط حسابداری و جریان وجه نقد عملیاتی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

مجتهدزاده و فرشی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه محافظه‌کاری حسابداری و تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۷ به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و سودآوری آتی پرداختند. آنها از جریان وجه عملیاتی به‌عنوان معیاری برای ارزیابی سودآوری آتی استفاده کردند و به این نتیجه دست یافتند که بین محافظه‌کاری حسابداری و جریان وجه نقد عملیاتی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

احمدی و قصابی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری مشروط بر عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت از معیار بازده دارایی‌ها استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که محافظه‌کاری مشروط با عملکرد مالی شرکت و بازده غیر عادی رابطه منفی معناداری داشته است. یعنی هرچه محافظه‌کاری بیشتر شده، عملکرد مالی شرکت و بازده غیرعادی در کوتاه مدت کمتر شده است.

گری و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی نقش مدیریت ریسک محافظه‌کاری حسابداری برای جریان وجه نقد عملیاتی پرداختند و نتایج پژوهش نشان داد که هر دو نوع محافظه‌کاری مشروط و نامشروط حسابداری رابطه منفی با خطر کاهش جریان نقدی عملیاتی دارند.

بیگلی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «محافظه‌کاری مالی شرکت‌های خصوصی با هدف تحلیل فاکتورهایی که شرکت‌ها را برای دنبال کردن سیاست‌های محافظه‌کاری مالی تحریک می‌کند» به این نتیجه رسیدند شرکت‌های محافظه‌کار کوچکتر با دارایی‌های ناملموس زیاد و دارایی‌های ملموس کم و نرخ مؤثر مالیاتی کمتر هستند و سیاست‌های مالی سلسله مراتبی دنبال می‌کنند. همچنین شرکت‌های محافظه‌کار از نظر مالی قبل از پذیرش سرمایه‌گذاری‌های جدید تمایل به افزایش نقدینگی و اهرم مالی دارند.

سان و لیو (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر وسعت دید تحلیلگر بر روی محافظه‌کاری حسابداری» دریافتند که وسعت دید تحلیلگر[1] به صورت مثبت با محافظه‌کاری حسابداری ارتباط دارد.

بارث و همکاران (۲۰۰۱)، از معیار جریان‌های نقد عملیاتی استفاده کردند. نتایج این مطالعات نشان دهنده برتری جریان‌های نقد عملیاتی نسبت به سود در پیش‌بینی جریان‌های نقد آتی است. انگیزه استفاده از جریان‌های نقد عملیاتی به عنوان شاخصی برای پیش‌بینی، ناشی از هدف اولیه در گزارشگری مالی است.

کاپلند و همکاران (۱۹۹۰) معتقدند اگرچه معیارهای سنتی حسابداری می‌تواند ابزار مفیدی برای درک و شناخت بازده جریان‌های نقدی باشد، ولی این معیارهای سنتی نمی‌تواند جایگزین شاخص‌های مستقیم

1. Analyst Coverage

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

نظیر جریان‌های نقدی شود.

۳- روش شناسی پژوهش

۳-۱- فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مطالب فوق، فرضیه‌های این تحقیق در قالب دو فرضیه اصلی به‌صورت زیر قابل بیان می‌باشد:

۱- جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

۲- محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

۳-۲- روش تحقیق

این تحقیق با توجه به هدف، از نوع کاربردی و با توجه به روش اجرا، توصیفی) غیرآزمایشی (و از نوع همبستگی می‌باشد و سعی می‌شود رابطه بین متغیرهای تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی، کشف و بیان شود. برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز مربوط به ادبیات تحقیق و مبانی نظری از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های علمی و مقالات داخلی و خارجی استخراج می‌شود .برای گردآوری داده‌های تحقیق نیز از بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اطلاعاتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، بانک‌های اطلاعاتی نرم افزارهای تدبیرپرداز و ره آورد نوین و همچنین گزارشات هفتگی و صورت های مالی شرکت‌ها حسب مورد استفاده شد.

جامعه آماری این تحقیق کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که از ابتدای سال ۱۳۸۷ لغایت اسفند ۱۳۹۱ در بورس فعال بوده‌اند. در این تحقیق برای انتخاب نمونه از روش غربالگری (حذفی) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها نیز از مدل رگرسیون خطی استفاده شد. برای بررسی معنی‌دار بودن ضریب متغیرهای مستقل در هر مدل از آماره t استفاده شده و براساس نتایج حاصل از بررسی معنی‌دار بودن کل رگرسیون طبق آماره f، در سطح اطمینان ۹۵٪ در خصوص تائید یا رد فرضیه‌ها تصمیم‌گیری شد. همچنین به‌منظور بررسی نرمال بودن متغیر وابسته و استقلال خطاها به ترتیب از آزمون کلموگروف- اسمیرونوف و آماره – d دوربین واتسون استفاده گردید. در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS بهره گرفته شده است.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل زیر استفاده شده است:

مدل شماره ۱:

$$ETi,t = \gamma 0 + \gamma 1 CONSVi.t + \gamma 2 OCFi.t + \gamma 3 CONSV \times OCF + \gamma 4 BTMi.t + \gamma 5 InSIZEi.t + \varepsilon i$$

CONSV بیانگر میزان محافظه‌کاری، ET نشان‌دهنده درآمد مشمول مالیات قطعی، BTM مؤید نسبت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت، OCF نشان‌دهنده خالص جریان وجه نقد عملیاتی و SIZE نشان‌دهنده ارزش بازار شرکت می‌باشد.

۳-۳- متغیرهای پژوهش

درآمد مشمول مالیات (ET)

درآمد مشمول مالیات: طبق ماده، ۱۰۵ ق.م.م. جمع درآمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج تحصیل شود و پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون مشمول مالیات خواهند شد، که در این پژوهش مالیات قطعی شده توسط ممیز ملاک است.

محافظه‌کاری (CONSV)

برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل ارائه شده توسط گیولی و هاین (۲۰۰۰) به‌صورت انباشته از سه سال قبل استفاده خواهد شد که به‌صورت زیر قابل محاسبه است. در این معیار بالا بودن مقدار CONSV، بیانگر محافظه‌کاری بیشتر می‌باشد.

مدل شماره ۲:

$$CONSV_{i.t} = -1 * \left(1/3 \sum_{1-2}^{1} \frac{NIACC_{it}}{TA_{it}} \right)$$

در این مدل داریم:

$CONSV_{i.t}$: میزان محافظه‌کاری برای شرکت i در سال t.

$NOACC_{i.t}$: اقلام تعهدی غیرعملیاتی که از اختلاف کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی عملیاتی برای شرکت i در سال t قابل محاسبه است.

$TA_{i.t}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال t.

جریان وجه نقد عملیاتی (OCF)

فعالیت‌های عملیاتی عبارت از فعالیت‌های اصلی مولد درآمد عملیاتی واحد تجاری است. فعالیت‌های مزبور متضمن تولید و فروش کالا و ارائه خدمات است و هزینه‌ها و درآمدهای مرتبط با آن در تعیین سود یا زیان عملیاتی در صورت سود و زیان منظور می‌شود. جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی اساساً دربرگیرنده جریان‌های ورودی و خروجی نقدی مرتبط با فعالیت‌های مزبور است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM)

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، از طریق تقسیم ارزش دفتری سرمایه عادی بر ارزش بازار آن (حاصل‌ضرب تعداد سهام منتشره و در دست سهامداران در قیمت بازار سهام) در انتهای دوره بدست خواهد آمد.

اندازه شرکت (SIZE)

در این تحقیق برای اندازه‌گیری اندازه شرکت از متغیر ارزش بازار شرکت در پایان دوره استفاده خواهد شد و منظور لگاریتم طبیعی حاصل‌ضرب تعداد سهام منتشره و در دست سهامداران در قیمت سهام در آخرین روز از سال می‌باشد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور کسب شناخت بیشتر درباره جامعه آماری، خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به داده‌های تحقیق در جدول شماره ۱ ارائه می‌گردد:

جدول (۱)- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

	درآمد مشمول مالیات قطعی	جریان وجه نقد عملیاتی	محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	اندازه شرکت	محافظه کاری
تعداد	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸
میانگین	۳۹۳۱۸۵/۰۴	۱۲۵۹۲۴۹/۸۳	۳۲۶۷۹۷۴/۸۸	۰/۵۸۷۳	۳۶۰۵۸۸۱۴۱۳۸۰۳/۸۲	-۴۱/۳۱۴۱
انحراف معیار	۱۱۲۸۷۸۳/۶۱	۴۸۱۲۲۶۵/۸۲	۲۹۹۰۶۹۸/۹۰۷	۱/۰۴۰۳	۹۰۵۲۳۷۱۵۰۰۹۴۵/۸۳	۱۴۵/۱۷
حداقل	۰	-۹۷۶۸۳۵۴	-۱۲۳۱۱۹۸۹/۳۴	-۷/۱۲۴۸	۸۶۰۱۶۰۰۰۰۰	-۱۳۹۸/۰۰
حداکثر	۷۷۲۴۸۸۴	۳۹۵۹۹۵۹۰	۵۰۰۸۱۶۸۱۰/۱۱	۴/۰۴۰۱	۸۳۶۶۹۷۱۰۳۱۶۰۰	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ میانگین، انحراف معیار، واریانس، حداقل و حداکثر هرکدام از متغیرهای پژوهش را به تفکیک نشان می‌دهد. مطابق جدول، اندازه شرکت بیشترین و محافظه‌کاری کمترین میانگین را دارند و همچنین اندازه شرکت بیشترین و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار کمترین انحراف معیار را دارند و

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

حداقل داده‌ها مربوط به محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی و حداکثر آنها مربوط به اندازه شرکت می‌باشد.

در ادامه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به بررسی ارتباط متغیرهای تحقیق و همبستگی موجود بین آن‌ها پرداخته می‌شود. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق درجدول شماره ۲ ارائه شده است. باتوجه به نتایج حاصل از همبستگی پیرسون، درآمد مشمول مالیات قطعی در سطح اطمینان ۹۵٪ دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با جریان وجه نقد عملیاتی و اندازه شرکت می‌باشد و همچنین در سطح اطمینان ۹۵٪ دارای همبستگی منفی و معنی‌داری با محافظه‌کاری می‌باشد.

جدول (۲)- ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	درآمد مشمول مالیات قطعی	جریان وجه نقد عملیاتی	محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	اندازه شرکت	محافظه کاری
درآمد مشمول مالیات قطعی	۱	۰/۴۷۸	-۰/۰۲۰	۰/۰۸۴	۰/۵۳۶	-۰/۲۳۶
		۰/۰۰۰	۰/۶۹۷	۰/۱۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جریان وجه نقد عملیاتی		۱	۰/۲۶۷ ۰/۰۰۰	۰/۰۷۱ ۰/۰۷۱	۰/۴۷۲ ۰/۰۰۰	-۰/۱۹۴ ۰/۰۰۰
محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی			۱	-۰/۰۲۰ ۰/۶۹۵	۰/۱۶۴ ۰/۰۰۱	۰/۰۲۷ ۰/۵۹۰
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار				۱	۰/۰۹۵ ۰/۰۶۱	-۰/۱۱۲ ۰/۰۲۷
اندازه شرکت					۱	-۰/۲۲۲ ۰/۰۰۰
محافظه‌کاری						۱

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

جدول شماره ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیشرین همبستگی مثبت بین متغیرهای درآمد مشمول مالیات قطعی و اندازه شرکت و بیشترین میزان همبستگی منفی بین متغیرهای درآمد مشمول مالیات قطعی و محافظه‌کاری می‌باشد.

۴-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

در این قسمت، ابتدا مدل تحقیق برآورد شده و آزمون مفروضات آماری مربوط به آن شامل نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسان بودن واریانس باقیمانده‌ها، استقلال باقیمانده‌ها همراه با توضیحات و نتایج حاصل از آن ارائه می‌گردد و سپس به تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها به صورت جداگانه پرداخته می‌شود.

برآورد مدل

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از مدل زیر استفاده شده است:

$$ET_{i,t} = \gamma 0 + \gamma 1 CNSVi,t + \gamma 2 OCFi,t + \gamma 3 CONSV \times OCF + \gamma 4 BTMi,t + \gamma 5 InSIZEi,t + \varepsilon i$$

نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره بوده و همچنین پس از تحلیل باقیمانده‌ها با استفاده از روش استپ وایس، متغیرهای مستقلی که بیشترین وابستگی را با متغیر وابسته که در اینجا درآمد مشمول مالیات قطعی می‌باشد، مشخص می‌گردد و مدل ریاضی آن را مشخص نموده و ارائه می‌دهیم.

تحلیل باقیمانده‌ها

۱- نرمال بودن باقیمانده‌ها: برای بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها از آزمون کولموگروف- اسمرنوف استفاده می‌شود و طبق این آزمون داده‌ها نرمال هستند.

۲- همگنی واریانس باقیمانده‌ها: برای بررسی این شرط از نمودار پراکنش باقیمانده‌های استاندارد و مقدار متغیر وابسته استفاده می‌کنیم.

استقلال باقیمانده‌ها: برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌کنیم.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

جدول (۳)- آزمون‌های تأیید مدل

دوربین واتسون	انحراف معیار خطاها	جذر R	ضریب R	R^2	مدل
۱/۲۸۱	۹۵۴۴۷۸/۷۰۰	۰/۲۸۵	۰/۲۸۷	۰/۵۳۶	۱
	۹۱۱۱۲۴/۱۳۶	۰/۳۴۸	۰/۳۵۲	۰/۵۹۳	۲
	۸۹۲۰۵۵/۸۶۹	۰/۳۷۵	۰/۳۸۰	۰/۶۱۷	۳
	۸۸۸۶۵۸/۰۶۵	۰/۳۸۰	۰/۳۸۷	۰/۶۲۲	۴

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول شماره ۳، مقدار دوربین واتسون برابر ۱/۲۸۱ می‌باشد لذا با توجه به جداول آماری، کران پایین برابر ۱/۲۶۴ و کران بالا برابر ۱/۷۲ می‌باشد. باتوجه به این، مقدار دوربین واتسون بین این مقدار قرار دارد پس استقلال داده‌ها نیز وجود دارد و مدل رگرسیون دارای سه شرط اصلی بوده و کامل است.

جهت بررسی همه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و اینکه کدام متغیرها بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر می‌گذارد، از روش استپ وایس استفاده کرده‌ایم.

نتایجی که از این روش به دست آمد نشان می‌دهد که متغیرهای جریان وجه نقد عملیاتی، محافظه‌کاری، اندازه شرکت و جریان وجه نقد عملیاتی ضرب در محافظه‌کاری، بر درآمد مشمول مالیات تأثیر دارند. در جدول شماره۴ سطح معنی‌داری هر یک از متغیرها نشان داده شده است. باتوجه به اینکه سطح معنی‌داری چهار متغیر جریان وجه نقد عملیاتی، محافظه‌کاری، اندازه شرکت و جریان وجه نقد عملیاتی ضرب در محافظه کاری از ۵٪ کمتر می‌باشد. هر چهار متغیر بر درآمد مشمول مالیات قطعی تاثیرگذار هستند.

جدول (۴)-آزمون معنی‌داری ضرایب مدل رگرسیونی

سطح معناداری	ضریب F	میانگین	درجه آزادی	مجموع ضرایب	مدل	
۰/۰۰۰	۱۵۵/۲۵۲	۱۴۱۴۳۹۵۷۹۳۴۷۶۸۵/۸۴	۱	۱۴۱۴۳۹۵۷۹۳۴۷۶۸۵/۸۴	رگرسیون	۱
		۹۱۱۰۲۹۵۸۹۴۱۶/۳۸	۳۸۶	۳۵۱۶۵۷۴۲۱۵۱۴۷۲۵/۰	نتیجه	
			۳۸۷	۴۹۳۰۹۷۰۰۰۸۶۲۴۱۰/۹	کل	

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

مدل		مجموع ضرایب	درجه آزادی	میانگین	ضریب F	سطح معناداری
۲	رگرسیون	۱۷۳۴۹۰۳۳۲۲۷۸۴۷۵/۲۵	۲	۸۶۷۴۵۱۶۶۱۳۹۲۳/۶۲	۱۰۴/۴۹۴	۰/۰۰۰
	نتیجه	۳۱۹۶۰۶۶۶۸۵۸۳۹۳۵/۵۶	۳۸۵	۸۳۰۱۴۷۱۹۱۱۲۷/۱۰۵		
	کل	۴۹۳۰۹۷۰۰۰۸۶۲۴۱۰/۸	۳۸۷			
۳	رگرسیون	۱۸۷۵۲۳۷۵۰۵۸۳۴۰۰/۲۵	۳	۶۲۵۰۷۹۱۶۸۶۱۱۳۳/۴۱	۷۸/۵۵۱	۰/۰۰۰
	نتیجه	۳۰۵۵۷۳۲۵۰۲۷۹۰۱۰/۵۶	۳۸۴	۷۹۵۷۶۳۶۷۲۶۰۱/۵۹		
	کل	۴۷۳۰۹۷۰۰۰۸۶۲۴۱۰/۸	۳۸۷			
۴	رگرسیون	۱۹۰۶۳۶۸۶۱۶۶۹۶۸۶/۳	۴	۴۷۶۵۹۲۱۵۴۱۷۴۲۱/۵۸	۶۰/۳۵۰	۰/۰۰۰
	نتیجه	۳۰۲۴۶۰۱۳۹۱۹۲۷۲۴	۳۸۳	۷۸۹۷۱۳۱۵۷۱۶۱/۱۶		
	کل	۴۹۳۰۹۷۰۰۰۸۶۲۴۱۰/۸	۳۸۷			

منبع: یافته‌های پژوهش

در نتیجه می‌توان مدل‌های زیر را برای تأثیر محافظه کاری بررابطه جریان وجه نقد عملیاتی ودرآمد مشمول مالیات قطعی پیشنهاد نمود.

جدول (۵)- نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی

مدل		ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
		B	انحراف معیار خطاها	B		
۱	مقدار ثابت	۱۵۲۳۷۲/۵۱۹	۵۲۱۶۸/۳۷۵	۰/۵۳۶	۲/۹۲۱	۰/۰۰۴
	اندازه شرکت	۶/۶۷۸	۰/۰۰۰		۱۲/۴۶۰	۰/۰۰۰
۲	مقدار ثابت	۱۲۸۳۶۸/۶۴۸	۴۹۹۴۸/۳۸۷	۰/۳۹۹	۲/۵۷۰	۰/۰۱۱
	اندازه شرکت	۴/۹۷۵	۰/۰۰۰	۰/۲۸۹	۸/۵۷۰	۰/۰۰۰
	جریان وجه نقد عملیاتی	۰/۰۶۸	۰/۰۱۱		۶/۲۱۴	۰/۰۰۰

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

مدل		ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
		B	انحراف معیار خطاها	B		
۳	مقدار ثابت	۱۳۳۵۳۲/۰۶۷	۴۸۹۱۸/۵۰۸		۲/۷۳۰	۰/۰۰۷
	اندازه شرکت	۵/۰۸۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۷		۰/۰۰۰
	جریان وجه نقد عملیاتی	۰/۰۷۸	۰/۰۱۱	۰/۳۳۲		۰/۰۰۰
	محافظه کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	-۰/۱۷۵	-۴/۱۹۹	۰/۰۰۰
۴	مقدار ثابت	۱۱۵۴۹۳/۹۷۵	۴۹۵۷۱/۸۰۳		۲/۳۳۰	۰/۰۲۰
	اندازه شرکت	۴/۹۰۴	۰/۰۰۰	۰/۳۹۳	۸/۵۴۸	۰/۰۰۰
	جریان وجه نقد عملیاتی	۰/۰۷۵	۰/۰۱۱	۷/۱۱۰	۶/۸۴۴	۰/۰۰۰
	محافظه کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۳۲۱ -۰/۱۶۸ -۰/۰۸۲	-۴/۰۱۶	۰/۰۰۰
	محافظه کاری	-۶۳۲/۲۰۲	۳۱۸/۴۱۵		-۱/۹۸۵	۰/۰۴۸

منبع: یافته‌های پژوهش

ET =115493.975018+ 4.904E-008SIZ+.075 OCF-.006CONSV*OCF-632.202CONSV

در بررسی معنی‌دار بودن مدل باتوجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰)، با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

هدف از آزمون فرضیه اول تحقیق، بررسی تأثیر جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی می‌باشد و فرضیه آماری آن به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

H0: جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر ندارد.

H1: جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

باتوجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵، از آنجایی‌که ضریب متغیر جریان وجه نقد عملیاتی مثبت ۰/۷۵

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

بوده و احتمال آماره t آن کوچک‌تر از ۵٪ می‌باشد، در نتیجه فرضیه H_0 رد شده و تأثیر جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات قطعی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد .در نتیجه فرضیه اول تحقیق پذیرفته می‌شود. بنابراین رابطه مستقیم و معنی‌داری میان جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران وجود دارد. به‌طوری که با افزایش میزان وجه نقد عملیاتی، میزان درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها افزایش می‌یابد. یافته اخیر با نتایج تحقیقات روسین و جانسون (۱۹۹۹) و سدیدی (۱۳۸۷) سازگار می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

در فرضیه دوم تحقیق به بررسی تأثیر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شرکت‌ها پرداخته شده است و فرضیه آماری آن بصورت زیر تعریف می‌شود:

H0: محافظه‌کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی ودرآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر ندارد.

H1: محافظه‌کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی تأثیر دارد.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵، از آنجایی که ضریب متغیر محافظه‌کاری منفی بوده (۰/۰۰۶٪-) و احتمال آماره t آن کوچک‌تر از ۰/۰۵٪ می‌باشد در نتیجه فرضیه H0 رد شده و تأثیر محافظه کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی در سطح اطمینان ۹۵٪ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق پذیرفته می‌شود و میزان محافظه‌کاری رابطه معکوس و معنی‌داری با درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها دارد. به‌طوری که با افزایش محافظه‌کاری از درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها کاسته می‌شود.

یافته اخیر با نتایج تحقیقات هانلون (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. این موضوع از منظر تئوری مالیاتی محافظه‌کاری قابل تبیین می‌باشد. بر اساس تئوری تفسیر مالیاتی محافظه‌کاری حسابداری، اگر محدودیت‌هایی که رفتار فرصت طلبانه مدیر را محدود نماید، وجود نداشته باشد درآن صورت ارقام حسابداری موجود در گزارش‌های مالی جانبدارانه تهیه و ارائه خواهد شد. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش محافظه‌کاری میزان درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها کاهش یابد. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از این است که محافظه‌کاری اثر معکوسی بر جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی دارد. به‌طوری که با افزایش میزان محافظه‌کاری از میزان درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها کاسته می‌شود. همچنین در بررسی اثر محافظه‌کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات، یافته‌های تحقیق مؤید این است که با افزایش جریان وجه نقد عملیاتی از میزان تأثیر محافظه‌کاری بر میزان درآمد مشمول مالیات

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

کاسته می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

تعدادی از مطالعات قبلی، مالیات را به‌عنوان یکی از عوامل و عناصر محافظه‌کاری معرفی کرده‌اند. این پژوهش صراحتاً مالیات را به‌عنوان یکی از عناصر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی مورد بررسی و آزمون قرار داد. علت استفاده از خالص جریان نقدی عملیاتی در این پژوهش آن است که متغیری که نشان‌دهنده سود قبل از تأثیر دو عامل مالیات و اصل محافظه کاری باشد در دست نیست. حسابداری محافظه‌کارانه برای نشان دادن مخاطرات اخلاقی بوجود آمده بوسیله گروه‌های مختلفی که اطلاعات نابرابر و نامتقارن، حقوق و مزایای نابرابر و مسئولیت محدود دارند، پدید آمده است. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش میزان محافظه‌کاری، میزان مالیات شرکت‌ها کاهش یابد. احتمالاً عدم تقارن در شناسایی سود در مقابل زیان موجب می‌شود در واحد اقتصادی سودآور، مدیران ارزش فعلی مالیات را کاهش دهند .پس با تأخیر در شناسایی درآمدها و شناسایی زودتر هزینه‌ها مقصود خود را عملی می‌کنند. بر اساس تئوری‌های موجود انتظار یک رابطه معکوس میان محافظه‌کاری و درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها وجود دارد .با این وجود میزان این رابطه متأثر از محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌باشد. در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی کمتر بوده و دارای یک محیط اطلاعاتی شفاف و باکیفیت تری هستند، محافظه‌کاری تأثیر ناچیزی بر میزان درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها داشته باشد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون (جدول شماره ۲) نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنی‌داری (۰/۴۷۸) بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده می‌باشد که نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می‌کند و ضریب همبستگی منفی و معنی‌دار (۰/۲۳۶-) بین محافظه‌کاری و درآمد مشمول مالیات قطعی شده نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می‌کند، همچنین ضریب همبستگی مثبت و معنی‌دار (۰/۲۶۷) بین حاصل‌ضرب محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی و جریان وجه نقد عملیاتی نشان می‌دهد که محافظه‌کاری جریان وجه نقد عملیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می‌کند و مقایسه همبستگی مثبت و معنی‌دار (۰/۴۷۸) بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی با همبستگی منفی (۰/۰۲۰-) بین حاصل‌ضرب محافظه‌کاری در خالص جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده نشان می‌دهد که محافظه‌کاری رابطه بین خالص جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده را تحت تأثیر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

قرار می‌دهد که نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش با آزمون رگرسیون خطی را تأیید می‌کند. همچنین همبستگی منفی و معنی‌دار بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری (۰/۲۲۲-) نشان می‌دهد که با افزایش اندازه شرکت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد که نتایج پژوهش بیگلی و همکاران (۲۰۱۴) را تأیید می‌کند.

نتایج آزمون فرضیه اول و اثر مثبت جریان وجه نقد عملیاتی بر درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها، با نتایج تحقیقات روسین و جانسون (۱۹۹۹) و سدیدی (۱۳۸۷) سازگار می‌باشد. به سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد می‌شود که جریان وجه نقد عملیاتی شرکت‌ها را به دلیل اینکه یک متغیر قبل از تأثیر دو عامل مالیات و محافظه‌کاری است و کمتر تحریف و دستکاری می‌شود را در فرآیندهای رسیدگی در طرح جامع مالیاتی مد نظر قرار داده و توجه بیشتری به آن معطوف دارند. همچنین به ممیزین مالیاتی پیشنهاد می‌شود در فرآیندهای رسیدگی مالیاتی به ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها توجه نمایند، زیرا تحلیل ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات شرکت‌های مختلف می‌تواند به صورت یک معیار برای ارزیابی درجه اعتباری دفاتر و صورت‌های مالی مؤدیان مالیاتی و رتبه بندی میزان ریسک آنها معرفی شود.

براساس نتایج آزمون فرضیه دوم و اثر معکوس محافظه‌کاری بر رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده که با نتایج تحقیقات هانلون (۲۰۱۰)، روسین و جانسون (۱۹۹۹)، گیلوی و هین (۲۰۰۰)، و سدیدی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد، پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی کشور تدابیری را برای سنجش محافظه‌کاری با توجه به اهمیت آن در ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی در فرایندهای رسیدگی مالیاتی در طرح جامع مالیاتی، بیندیشد. همچنین باتوجه به روابط بین سه متغیر محافظه‌کاری، جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی شده، معیارهای جدیدی برای ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی در ماژول رتبه بندی ریسک مؤدیان مالیاتی تعبیه نمایند. همچنین به ممیزین مالیاتی پیشنهاد می‌شود در بررسی و تحلیل رابطه بین جریان وجه نقد عملیاتی مؤدیان مالیاتی و میزان درآمد مشمول مالیات آنها، اثرات محافظه‌کاری بر این رابطه را با توجه به ویژگی‌های صنعت مربوطه و هدف گزارشگری مد نظر قرار دهند. همچنین ممیزین مالیاتی می‌توانند از طریق درک و تحلیل ارتباط بین جریان وجه نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات قطعی در صنایع مختلف و اثرات محافظه‌کاری بر این ارتباط به نرم‌های جهت رسیدگی دقیقتر در صنایع مختلف و همچنین به معیاری جدید برای ارزیابی ریسک (با توجه به اهمیت ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی در طرح جامع مالیاتی) مؤدیان مالیاتی دست یابند. پیشنهاد می‌شود در این

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

راستا هیأت استانداردهای حسابداری مالی به تدوین استانداردهای مبادرت نماید که در راستای آن برای استانداردهایی که امکان کاهش کیفیت اطلاعات مالی را فراهم می‌آورد، کنترل‌ها و محدودیت‌هایی لحاظ نمایند. همچنین زمینه را برای به‌کارگیری و سازگاری استاندارد بین المللی حسابداری مالیات بر درآمد شماره ۱۱ با محیط گزارشگری مالی ایران فراهم آورند. زیرا خلأ بین مالیات واقعی و مالیات پرداخت شده در کاهش شفافیت اطلاعات مالی بی تأثیر نبوده است.

براساس نتایج کلی حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی کشور در ماژول ارزیابی ریسک مؤدیان مالیاتی به روابط بین سنجه‌ها و معیارهای جریان وجه نقد عملیاتی، محافظه‌کاری و درآمد مشمول مالیات ابرازی مؤدیان مالیاتی توجه نماید.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

فهرست منابع

۱. آزاد، عبدالله (۱۳۸۹). تعریف و مفهوم محافظه کاری در حسابداری، فصلنامه حسابدار رسمی، دوره جدید، شماره ۸ (پیاپی ۲۰)، ۱۲۵-۱۲۹.

۲. آقالو، یحیی (۱۳۸۰). مقایسه درآمدهای مالیاتی وهزینه های جاری، ویژه فرهنگ سازمانی، دوره سوم، شماره ۲، ۳۹-۴۹.

۳. آقایی، محمدعلی و امیر شاکری (۱۳۸۹). کاربرد نسبت‌های نقدینگی، جریان نقدی و حسابداری تعهدی در پیش‌بینی جریان نقدی عملیاتی آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، دوره دوم، ش ۵، ۱-۱۶.

۴. اقتصاد ایران (۱۳۸۷). ماهنامه اقتصادی ومالی بین‌المللی، سال دهم، شماره ۱۱۳، ۶۳-۶۵.

۵. بنی‌مهد، ب. (۱۳۸۵). تبیین و ارائه الگوی برای اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۱۶-۲۴.

۶. بیگ‌پور، محمد علی (۱۳۸۵). مشکلات موجود در اجرای موفق ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، مجله حسابرسی، دوره پنجم، شماره ۵، ۵۲-۵۹.

۷. پژویان، جمشید (۱۳۸۱). اقتصاد بخش عمومی، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، صفحات ۱۳۴-۱۴۵.

۸. پورزمانی، زهرا و ابوالقاسم شمسی (۱۳۸۹). بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره جدید، شماره ۵، ۱۵-۱۹.

۹. پورمقیم، سیدجواد (۱۳۸۰). اقتصاد بخش عمومی، چاپ سوم، نشر نی، ۸۴-۹۶.

۱۰. خطیب زاده، امیرحسین (۱۳۸۷). ماهنامه اقتصادی و بین‌المللی اقتصاد ایران، دوره هفتم، شماره ۶، ۸۹-۵۴.

۱۱. دادگرکرماجانی، یداله (۱۳۸۶). فصلنامه مالیات وتوسعه، پیش شماره چهارم، ۱۲۴-۱۹۰.

۱۲. رسائیان، امیر و محمدرضا غفاری (۱۳۹۱). درآمدی بر رابطه بازده غیرعادی سهام و محتوای اطلاعاتی جریان‌های نقدی، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، دوره دوم، شماره‌های ۴ و ۵، ۷۹-۹۱.

۱۳. روزن، هاروی اس. (۱۳۷۸). مالیه عمومی (اقتصاد بخش دولتی). مترجم عین‌اله علا، دانشگاه امور اقتصادی، ۱۳۵-۱۴۶.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۱۴. احسان فر، محمدحسین (۱۳۸۰). برآورد ظرفیت مالیاتی استان مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی، ۲۰-۲۴.

۱۵. زاهدی، امیر (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین قابلیت اتکای اقلام تعهدی و ثبات سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران، ۴۵-۵۵.

۱۶. سدیدی، م. (۱۳۸۷). اثر محافظه کاری حسابداری بر کیفیت سود و بازده سهام، پایان نامه دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری، ۱۹-۲۵.

۱۷. سمیعی، عبدالمحمد (۱۳۶۹). سیاست‌های پولی و مالی دولت، مدیریت دولتی، دوره پنجم، شماره ۹، ۱۱۸-۱۲۳.

۱۸. صفری، احمد (۱۳۸۵). بررسی دلایل اختلاف بین سود ابرازی مؤدیان و سود تشخیصی ماموران مالیاتی اشخاص حقوقی غیر دولتی در اداره امور مالیاتی شرکت‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۶-۱۸.

۱۹. طالب نیا، قدرت اله، حمیدرضا وکیلی فرد، علی اکبر عرب مازار و محمود صمدی لرگانی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۹، ۶۷-۸۳.

۲۰. علوی و همکاران (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و ثبات سود با هزینه سرمایه سهام عادی، فصلنامه توسعه وسرمایه، دوره جدید، شماره ۶، ۵۷-۷۶.

۲۱. عنایتی زاده، عباس (۱۳۸۷). بررسی تفاوت حسابرسی مالیاتی انجام شده توسط حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی و ماموران تشخیص مالیات سازمان امور مالیاتی در تعیین میزان درآمد مشمول مالیات تشخیصی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ۴۴-۵۱.

۲۲. قانون مالیات‌های مستقیم (۱۳۶۶). چاپ اول، مصوب اسفند ۶۶، ۸۶-۹۴.

۲۳. قنبری فرد، س. (۱۳۷۴). بررسی علل عمده وجود اختلاف ما بین سود ابرازی وسود مشمول مالیات شرکت‌های تولیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری، ۲۲-۲۸.

۲۴. کمالی، سعید (۱۳۸۹). بررسی تفاوت حسابرسی مالیاتی انجام شده توسط حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی و مأموران تشخیص مالیات سازمان امور مالیاتی در تعیین میزان درآمد مشمول مالیات قطعی شده، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد،

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

.۳۲-۲۹

۲۵.منصوری، فرناز (۱۳۹۰). تأثیر متقابل کیفیت افشاء، محافظه‌کاری و رابطه متقابل آن‌ها بر هزینه سرمایه سهام عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۲۲-۲۶.

۲۶.مهندس، ابوطالب و مهدی تقوی (۱۳۸۱). مالیه عمومی، نشرفروردین، ۱۵۹-۱۶۴.

۲۷.موسی زاده، رضا (۱۳۸۵). مالیه عمومی، نشرمیزان، ۴۸-۵۹.

۲۸.نادران، الیاس (۱۳۷۷). ظرفیت مالیاتی و معضلات موجود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۶۱-۶۵.

29.Bagnoli, M. and S. Watts, (2005). Conservative Accounting Choices, Management Science, 51(5), 786-801.

30.Barth, M., Cram, D &. Nelson, K. (2001). Accruals and the Prediction of Future Cash Flows. The Accounting Review, 76, 27–58.

31.Basu, S. (1997).The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings, Journal of Accounting & Economics 24, 3-37.

32.Givoly, D., and Hayn (2000). On the Asymmetric Recognition of Good and Bad News in France, Germany and the United Kingdom, Journal of Business Finance and Accounting, 28, 1285-1331.

33.Guenther, D. A., E. L. May dew and S. E. Nutter (1977). Financial Reporting, Tax Costs, and Book-tax Conformity, Journal of Accounting and Economics, 23, 225-248.

34.Hanlon, M., and S. Heitzman (2010). A Review of Tax Research. Journal of Accounting and Economics 50 (2-3), 17–171.

35.LaFond, R. and R. Watts (2008). The Information Role of Conservatism, The Accounting Review, 83(2), 447-448.

36.Palepu, K., J. Healy, and V. Bemard (2000). Business Analysis and Valuation.Using Financial Statements Cincinnati, South Westem College Publishing, 46-55.

37.Penman, S. (2001). Financial Statement Analysis and Security Valuation. New

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

York, NY: Mc Graw-Hill Invin, 19-21.

38. Sabramanyam, K. R., M. Venkatachalam. (2007). Earnings, Cash Flows and Ex-Post Intrinsic Value of Equity. The Accounting Review, 82, 2, 457-481.

39. Watts, R. (2003). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications, Accounting Horizons, 17(3), 207-221.

40. Watts, R. (2003), Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Research Opportunities, Accounting Horizons, 17(4), 287-301.

41. Nakao, S.H. (2012). Influnce of Tax Accounting on Transparency, International Finance Review, 13, 69-96.

42. Bigelli, M., Francisco, F. and Javier Sánchez-Vidal (2014). Financial Conservatism of Private Firms Journal of Business Research.

43. Sun, J, and Liu G. (2011). The Effect of Analyst Coverage on Accounting Conservatism, Managerial Finance 37.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]